

متن پرسش

یعنی چه... من پرم از یعنی چه هایی که سالهاست همسفر جوانی ام هستند. سلام استاد: چند روزی است فکری سراغم آمده که اینبار من نمی خواهم رهايم کند. چند شب پیش بود که ناگهان با خودم گفتم واقعا یعنی چه؟ یعنی چه که ما کارهای خوب کنیم تا در عالم بهشت برويم؟! حتی بهشت هم نمی تواند سیرابم کند، هرگز! و نمی تواند روح زیاده خواه مرا راضی و آرام کند آری من زیاده خواهم، چون خدا زیاد است. به گمانم بهشت عالم مشخصی نیست، به گمانم بهشت خود خداست که در آن شناور می شويم، رها می شويم، جاری می شويم، اگر بهشت همه اش خدا نباشد که مطلوب نیست و اگر مطلوب نباشد که بهشت نیست! دوباره بر می گردم به همان یعنی چه هایی که انگار چشمه هایی اند که خدا در دلها جاری می کند تا در کویر بی خبری نمیريم، تا راه بیفتيم و از چشمه به سرچشمه برسيم، واقعا آیا هدف از این خلقت دلفریب، این خلقت پر راز همین بوده که آدم خوبی شويم، کار بد نکنيم تا به بهشت برويم؟! نه، من داوطلبانه این بهشت را نمی خواهم، حتی حاضر نیستم برایش تلاش و تکاپو داشته باشم، من فقط امن می خواهم و مهربانی، من فقط رفتن می خواهم، حتی تا آخرین همیشه، واقعا همیشه یعنی چه؟ واقعا سعادت یعنی چه؟ لذت یعنی چه؟ یک چیز انگار این میان برایم گم شده است، حتی شهادت هم انگار آرامم نمی کند، باور کنید حتی خدا هم برایم یعنی چه است؛ در واقع بزرگترین و مهم ترین یعنی چه ی من است. انگار مغزم را قفل گذاری کرده اند و کلیدش اثر انگشت خداست که تا مغزم را لمس نکند باز نمی شود، خدایا بیا و آقایی کن و یکبار برای همیشه هم که شده تکلیف من را مشخص کن، خدایا هرچه بیشتر سرگردان باشم بیشتر سربه گریبان می شوم، خدایا موسی چه طوری بود که تو اینقدر دوست داشتی با او گپ و گفتی داشته باشی، در ساختش درآیی و با او دوتایی تو را به تماشا بنشینید، راستی اصلا «بودن» یعنی چه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به همین جهت ما از خداوند حضور در صراط مستقیم را طلب می کنیم و می خواهیم راهی را که همچنان باید رفت، در مقابل ما قرار دهد و در شعف حضوری که در آن راه پیش می آید همچنان راه را ادامه دهيم. در این مورد عریضی در جواب سوال شماره ۳۴۱۴۲ داده شد که خوب است به آن مطلب رجوع شود. موفق باشید